

## انسان موجود اخلاق گرا

- انسان با مفهوم « اخلاق » آشناست و می تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند.
- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست.
- این ویژگی آن قدر مهم است که برخی متفکران انسان را بر اساس همین ویژگی تعریف کرده و گفته اند : انسانی موجودی است اخلاقی که حُسن و قبح را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد.
- در این درس می خواهیم ببینیم فیلسوفان درباره ریشه های این ویژگی چه گفته اند و چه نظراتی ارائه کرده اند.

### ❖ فعل طبیعی و فعل اخلاقی

کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد :

#### ❖ فعل طبیعی :

- کارهایی که انسان به طور عادی آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خرید، کار، خواب و استراحت، آشپزی و ورزش و تفریح .

#### ❖ فعل اخلاقی :

- کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند؛ مانند احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری.
- یکی از مسائلی که در این چشم انداز توجه فلاسفه را به خود جلب کرده، تفاوت این دو نوع کار است . پرسش اصلی این است که چه ویژگی هایی در افعال دسته نخست وجود دارد که باعث می شود آنها را « افعال طبیعی » بدانیم؟ در مورد دسته دوم چطور؟ چه ویژگی هایی این قبیل کارها را به « فعل اخلاقی » تبدیل می کند؟ اساساً معیار فعل اخلاقی چیست و قواعد آن از کجا سرچشمه می گیرد؟ این قواعد چگونه مورد قبول عموم واقع می شوند؟ آیا هر کس می تواند مطابق سلیقه و دیدگاه خود قاعده اخلاقی وضع کند و از دیگران بخواهد آن را رعایت نمایند؟
- آیا اصول اخلاقی بسته به تحول و تفاوت فرهنگ ها و جوامع، متغیر و متفاوت اند؟

## ❖ برخی دیدگاه‌ها در معیار فعل اخلاقی

### 🚩 دیدگاه افلاطون

- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد.
- به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود.
- افلاطون در پاسخ به این سؤال که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» می‌گوید:  
در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند:

  - ✓ «قوه شهوت»: انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می‌خواند.
  - ✓ «قوه غضب»: انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می‌کند
  - ✓ «قوه عقل»: خوب را از بد تشخیص می‌دهد و سعادت واقعی را شناسایی می‌کند.

- بنابراین عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد.
- قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و به گونه‌ای که عقل آنها را راهنمایی می‌کند عمل کنند.
- افلاطون می‌گوید؛ اگر عقل حاکم باشد:

  - ✓ قوه شهوت پا از کلیم خود درازتر نمی‌کند و «خویشتن داری» پیش می‌گیرد.
  - ✓ قوه غضب متصف به «شجاعت» می‌شود.
  - ✓ عقل نیز به صفت «حکمت» می‌رسد.

- براینند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.
- پس انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان‌ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.

## دیدگاه ارسطو

- ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد.
- ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است.
- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.
- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد.
- ارسطو معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد

قوا	حالت افراط	حالت تفریط	حد وسط و اعتدال
عقل	جُرْبُزَه <sup>۲</sup>	سفاهت	حکمت
قوة غضب	تهور	ترس	شجاعت
قوة شهوت	شَرَه <sup>۳</sup>	خمودی	خویشتن داری

## دیدگاه کانت:

- کانت، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد، معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد.
- کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند.
- هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت است
- کانت می گوید: « برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود.»
- مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بیسندد و عاملان آن را تحسین کند.
- این جمله کانت شهرت فراوانی دارد: دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

▪ فیلسوفان طبیعت‌گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه‌های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست‌وجو می‌کنند.

▪ از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می‌دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می‌دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.

▪ از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی‌شود.

▪ بنابراین اولین قانون اخلاقی این است «آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم پسند. در این صورت است که می‌توانی با دیگران زیست کنی.»

▪ توماس هابز می‌گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.

▪ بنابراین دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، باید با دیگران به عدل رفتار نمود و امثال اینها. بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی‌شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## دیدگاه فلاسفه اسلامی :

- **ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند.**
- **ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد «عقل عملی» می نامند.**
- عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند.
- بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است.
- این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند.
- بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد.
- فلاسفه مسلمان می گویند اگرچه بشر به فضیلت ها علاقه مند است و عقل او آنها را زیبا و خوب می داند، اما رفتن به سوی این فضائل و عمل براساس آنها چندان هم آسان نیست، **زیرا همان طور که گفته شد، انسان دو دسته فعل دارد: فعل طبیعی و فعل اخلاقی**
- فعل طبیعی برای رسیدن به تمایلات طبیعی و رفع نیازهای طبیعی است. حال مسئله این است که گاه کسب این فضیلت ها با منافع و تمایلات جسمانی انسان در تضاد است؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات انسان قوی باشند می توانند مانع رسیدن او به فضیلت ها شوند و حتی او را به سوی رذیلت ها هدایت کنند .
- **فلاسفه مسلمان معتقدند اینکه انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، به تنهایی نمی تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؛ به نظر ایشان، علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.**
- در چنین شرایطی حتی عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.

## سوالات تشریحی

۱- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد نام برده و هر کدام را با ذکر مثالی توضیح دهید؟

فعل طبیعی: کارهایی که انسان به طور عادی آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خرید، کار، خواب و استراحت، آشپزی و ورزش و تفریح.

فعل اخلاقی: کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند؛ مانند احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری.

۲- معیار فعل اخلاقی نزد افلاطون چیست؟

از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود.

۳- افلاطون در پاسخ به این سؤال «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» چه دیدگاهی ارائه می کند؟

در وجود انسان سه قوه اصلی فعال هستند: «قوه شهوت» که انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند. «قوه غضب» که انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. و «قوه عقل» که خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. بنابراین عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد.

۴- به نظر افلاطون اگر عقل بر قوه غضب و قوه شهوت حاکم شود چه نتایج اخلاقی حاصل می شود؟

افلاطون می گوید؛ اگر عقل حاکم باشد؛ قوه شهوت پا از گلیم خود درازتر نمی کند و «خویشتن داری» پیش می گیرد. قوه غضب متصف به «شجاعت» می شود. عقل نیز به صفت «حکمت» می رسد. برآیند و نتیجه چنین سامانی، برقراری «عدالت» میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است.

۵- به نظر افلاطون برای اینکه انسان به نیک بختی و سعادت برسد باید به چه فضیلت هایی آراسته گردد؟

انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند.

۶- معیار فضیلت اخلاقی نزد ارسطو چیست؟ توضیح دهید.

ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود.

از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. ارسطو معتقد است عقل هر انسانی این اعتدال را درک می کند و آن را به عنوان امری درست می پذیرد.

#### **۷- کانت معیار فعل اخلاقی را در چه چیزی جست و جو می کند؟ توضیح دهید.**

کانت، فیلسوف قرن ۱۸ آلمان، عقیده دارد معیار فعل اخلاقی را باید در «وجدان اخلاقی» جست و جو کرد. کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود. مثلاً اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می کند، انجام دهد، فضیلت است.

#### **۸- قاعده اخلاقی کانت را نوشته و مقصود وی از این قاعده را توضیح دهید؟**

کانت می گوید «برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و عمومی شود» مقصود کانت این است که عمل هر انسانی باید به گونه ای باشد که اگر دیگران هم همان کار را در مورد وی انجام دادند، او آن کار را بپسندد و عاملان آن را تحسین کند.

#### **۹- کانت جمله بسیار مشهوری دارد که بر اساس آن معتقد است دو چیز وی را به شگفتی وا داشته است؟ آن دو چیز کدامند؟**

یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

#### **۱۰- با توجه به دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا، ریشه های فعل اخلاقی را باید در کجا جست و جو کرد؟**

فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان رفتار طبیعی انسان جست و جو می کنند. از نظر این گروه انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد. بنابراین «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان. از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را نیز رعایت کند؛ زیرا، در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی شود.

**۱۱- اولین قانون اخلاقی را نوشته ، بگویند این عبارت که « هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی**

**داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.» از کیست؟**

اولین قانون اخلاقی این است « آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم پسند. در این صورت است که می توانی با دیگران زیست کنی . » - توماس هابز

**۱۲- به عقیده توماس هابز، چرا انسان قواعد اخلاقی را ابداع می کند و آیا اموری مانند صداقت، عدالت و**

**امانت داری، ارزش حقیقی داشته و فضیلت اخلاقی شمرده می شوند؟**

بنابر این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته است: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد؛ در امانت نباید خیانت ورزید، بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و فضیلت شمرده نمی شوند اما چون برای زندگی اجتماعی ضروری هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

**۱۳- با توجه به دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مسلمان، منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها کدام است؟ توضیح دهید.**

ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان ، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند . عقل فضیلت هایی مانند عدل، احسان، خویشن داری و شجاعت را کمالاتی می داند که باعث رشد و کمال روح می شود؛ درست مانند آب و غذا و اموری از این قبیل که جسم انسان را رشد می دهند بنابراین هر انسانی فضیلت ها را دوست دارد و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، بخل و ریا گریزان است. این رذائل اخلاقی به روح صدمه رسانده و آن را از کمال باز می دارند. بنابراین هر انسانی به دنبال کسب فضائل است؛ زیرا او با کسب این فضائل احساس نشاط و لذت می کند و به رضایت درونی می رسد .

**۱۴- علت نامگذاری عقل عملی به این نام چیست ؟**

این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد « عقل عملی » ، می نامند.

**۱۵- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند شناخت فضائل و رذائل و علاقه ورزی به آنها، به تنهایی نمی تواند باعث ترک**

**رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد؟**

زیرا علاوه بر این تمایل ذاتی، پشتوانه ای دیگر هم لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. این پشتوانه به اعتقاد فلاسفه مسلمان خداست؛ اگر خداوند نیز ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

**۱۶- به عقیده فلاسفه مسلمان، اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش**

**و مجازات معین فرماید، آیا میل به فضائل در انسان تقویت می شود؟ چرا؟**

خیر در چنین شرایطی ، عمل به فضیلت قطعی و حتمی نمی شود، زیرا در هر صورت، انسان موجودی مختار و با تمایلات قوی و شدید است و ممکن است برای رسیدن به آن تمایلات، از فرمان خدا هم سرپیچی کند.



## جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- انسان با مفهوم ... آشناست و می تواند خوب و بد ... را درک کند. **اخلاق - اخلاقی**
- ۲- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز ... از سایر ... دانست. **انسان - موجودات**
- ۳- انسان موجودی است اخلاقی که ... و ... را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد.  
**حُسن - قبح**
- ۴- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می توان تقسیم کرد که عبارتند از فعل ... و فعل ... **طبیعی، اخلاقی**
- ۵- کارهایی که انسان به طور عادی آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خرید، کار، خواب و استراحت، آشپزی و ورزش و تفریح در زمره فعل ... قرار می گیرند. **طبیعی**
- ۶- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند؛ مانند احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری در زمره فعل ... قرار می گیرند. **اخلاقی**
- ۷- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با ... و ... حقیقی آدمی رابطه دارد. **سعادت - نیک بختی**
- ۸- به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، ... محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، ... شمرده می شود. **فضیلت - رذیلت ( بدی )**
- ۹- به اعتقاد افلاطون ... انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند و ... انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. **قوه شهوت - قوه غضب**
- ۱۰- به نظر افلاطون، قوه ... خوب را از بد تشخیص می دهد و ... واقعی را شناسایی می کند. **عقل - سعادت**
- ۱۱- از نظر افلاطون، عمل انسان در صورتی در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی ... انجام پذیرد. **عقل**
- ۱۲- قوه ... و قوه ...، تحت کنترل و حکومت عقل اند و به گونه ای که عقل آنها را راهنمایی می کند، عمل می کنند. **غضب - شهوت**
- ۱۳- افلاطون می گوید؛ اگر عقل حاکم باشد: قوه شهوت پا از گلیم خود درازتر نمی کند و ... پیش می گیرد قوه غضب متصف به ... می شود و عقل به صفت ... می رسد که نتیجه چنین سامانی، برقراری ... میان قوای عقل و شهوت و غضب و در سراسر شخصیت انسان است. **خویشتن داری - شجاعت - حکمت - عدالت**
- ۱۴- از نظر افلاطون، انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسانها ... و ... است و با گذشت زمان تغییر نمی کند. **مشترک - ثابت**
- ۱۵- ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل ... و ... انسان است. **سعادت - نیک بختی**
- ۱۶- به اعتقاد ارسطو ... و ... همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود؛ البته شرط لازم برای چنین امری این است که خود عقل رشد کرده و به درجات مناسبی از معرفت دست یابد تا خودش دچار افراط و تفریط نشود. **شهوت - غضب**
- ۱۷- به عقیده کانت، معیار فعل اخلاقی را باید در ... جست و جو کرد. **وجدان اخلاقی**
- ۱۸- کانت می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام ... دارد که او را به سوی عمل ... اخلاقی دعوت می کند. **وجدان اخلاقی - خیر**

۱۹- به عقیده کانت، اگر انسان عدل را نه به خاطر تشویق و تمجید دیگران و نه حتی برای رسیدن به سعادت، بلکه فقط بدان جهت که .... بدان دعوت می کند، انجام دهد، .... است. **وجدان - فضیلت**

۲۰- کانت می گوید: بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون .... و .... شود. **کلی - عمومی**

۲۱- کانت می گوید؛ دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی .... که بالای سر ماست، دیگر .... که در درون ما قرار دارد. **آسمانی - وجدانی**

۲۲- فیلسوفان .... و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه های فعل اخلاقی را در همان .... انسان جست و جو می کنند. **طبیعت گرا - رفتار طبیعی**

۲۳- از منظر فیلسوفان طبیعت گرا «خوب» و «بد» عناوینی هستند که خود ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به .... ما باشد یا به .... مان. **سود - ضرر**

۲۴- توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران .... زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان .... باشند. **آزادی - آزاد**

۲۵- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، عقل را منبع شناخت .... و .... می دانند و این عقل از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد ....، می نامند. **فضیلت ها - ردیلت ها - عقل عملی**

مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- انسان با مفهوم « اخلاق » آشناست اما نمی تواند خوب و بد اخلاقی را درک کند. **نادرست**
- ۲- اخلاق و درک خوبی و بدی را می توان یکی از وجوه تمایز انسان از سایر موجودات دانست. **درست**
- ۳- انسانی موجودی است اخلاقی که حُسن و قبح را درک می کند و کارهایی براساس این درک انجام می دهد. **درست**
- ۴- کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته، فعل طبیعی و فعل اخلاقی می توان تقسیم کرد. **درست**
- ۵- کارهایی که انسان به طور عادی آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می دهد، از قبیل خرید، کار، خواب و استراحت، آشپزی و ورزش و تفریح را فعل اخلاقی می گویند. **نادرست**
- ۶- کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می شوند؛ مانند احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری و مبارزه با ظلم و نابرابری را فعل اخلاقی می گویند. **درست**
- ۷- از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد. **درست**
- ۸- به اعتقاد افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می گردد و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می شود. **درست**
- ۹- قوه شهوت انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس العمل می کند. **نادرست**
- ۱۰- قوه عقل « خوب را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند. قوه غضب، انسان را به سوی لذایذ و امیال مختلف فرا می خواند. **نادرست**
- ۱۱- به نظر افلاطون، قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و به گونه ای که عقل آنها را راهنمایی می کند عمل می کنند. **درست**
- ۱۲- افلاطون می گوید؛ اگر عقل حاکم باشد قوه شهوت پا از گلیم خود درازتر نمی کند و « خویشن داری » پیش می گیرد. **درست**
- ۱۳- به نظر افلاطون، قوه غضب متصف به « حکمت » می شود و عقل نیز به صفت « شجاعت » می رسد. **نادرست**
- ۱۴- انسانی که آراسته به چهار فضیلت « حکمت »، « خویشن داری »، « شجاعت » و « عدالت » است، نیک بخت است؛ این معیار میان همه انسان ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی کند. **درست**
- ۱۵- ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی نظری نزدیک به استاد خود دارد. **درست**
- ۱۶- ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در میان قوا می رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک بختی انسان است. **درست**
- ۱۷- به اعتقاد ارسطو شهوت و غضب همواره در معرض افراط و تفریط هستند اما عقل می تواند مانع این افراط و تفریط شود. **درست**
- ۱۸- از نظر ارسطو، اگر قوای وجودی در خط اعتدال باشد، انسان به سعادت می رسد. **درست**
- ۱۹- کانت، عقیده دارد، معیار فعل اخلاقی را باید در « وجدان اخلاقی » جست و جو کرد. **درست**
- ۲۰- هابز می گوید هر انسان در درون خود حقیقتی به نام وجدان اخلاقی دارد که او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت می کند. **نادرست**
- ۲۱- کانت می گوید، برطبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون کلی و خصوصی شود. **نادرست**

۲۲- این جمله کانت شهرت فراوانی دارد: دو چیز همواره مرا به شگفتی و آ می دارد: یکی آسمانی که بالای

سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد. **درست**

۲۳- فیلسوفان طبیعت گرا و عموم کسانی که بعد روحی و معنوی را باور دارند، ریشه های فعل اخلاقی را در

همان وجدان انسان جست وجو می کنند. **نادرست**

۲۴- اولین قانون اخلاقی این است « آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم بپسند. در این صورت است

که می توانی با دیگران زیست کنی. » **درست**

۲۵- توماس هابز می گوید: هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران

هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند. **درست**

۲۶- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. **درست**

۲۷- ابن سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، عقل را منبع شناخت فضیلت ها و رذیلت ها می دانند و این عقل از آن

جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می دهد « عقل نظری »، می نامند. **نادرست**

۲۸- فلاسفه مسلمان معتقدند اینکه انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد و حتی به آنها علاقه بورزد، به

تنهایی می تواند باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت باشد. **نادرست**

۲۹- به اعتقاد فلاسفه مسلمان، هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی، انسان نیازمند پشتوانه ای

همچون خداست تا بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد. **درست**

مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## سوالات تستی

۱- افلاطون برای این پرسش که «در چه صورتی یک عمل در جهت سعادت است» چه پاسخ مناسب تری ارائه می دهد؟

- (۱) هرگاه به احساس نشاط و لذت و رضایت درونی برسد. (۲) هرگاه دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است.  
(۳) هرگاه بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد (۴) اگر معیار فعل اخلاقی وجدان باشد گزینه ۳

۲- کدام تعریف افلاطون از فضیلت دقیق تر است؟

- (۱) اگر فعل اخلاقی در ردیف شقاوت ابدی باشد (۲) اگر فعل اخلاقی در جهت وجدان بیدار باشد.  
(۳) هرگاه فرد دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است. (۴) اگر فعل اخلاقی در جهت سعادت حقیقی باشد. گزینه ۴

۳- از نظر ..... فعل اخلاقی با سعادت و نیک بختی حقیقی آدمی رابطه دارد و هرگاه فعل اخلاقی در جهت سعادت

حقیقی باشد، .... محسوب می گردد و اگر باعث .... گردد، رذیلت شمرده می شود.

- (۱) افلاطون - فضیلت - شقاوت (۲) هابز - فضیلت - شقاوت  
(۳) هابز - شقاوت - فضیلت (۴) افلاطون - شقاوت - فضیلت  
گزینه ۱

۴- با توجه به نظریه اخلاقی افلاطون، کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد؟

- (۱) اگر عقل حاکم باشد، قوه شهوت پا از گلیم خود درازتر نمی کند و «خویشتن داری» پیش می گیرد.  
(۲) اگر عقل حاکم باشد، قوه غضب متصف به «حکمت» می شود و عقل نیز به صفت «شجاعت» می رسد.  
(۳) انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویشتن داری»، «شجاعت» و «عدالت» است، نیک بخت است.  
(۴) قوه عقل «خوب» را از بد تشخیص می دهد و سعادت واقعی را شناسایی می کند  
گزینه ۲

۵- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه غضبیه در سه حالت (حدوسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد؟

- (۱) شجاعت - ترس - تهور (۲) تهور - شجاعت - ترس  
(۳) شجاعت - تهور - ترس (۴) ترس - تهور - شجاعت  
گزینه ۳

۶- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه شهویه در سه حالت (حدوسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد؟

- (۱) شره - خویشتن داری - خمودی (۲) خویشتن داری - خمودی - شره  
(۳) شره - خمودی - خویشتن داری (۴) خویشتن داری - شره - خمودی  
گزینه ۴

۷- با توجه به دیدگاه ارسطو قوه عقل در سه حالت (حدوسط - حد افراط - حد تفریط) به ترتیب چه نام دارد؟

- (۱) حکمت - جریزه - سفاهت (۲) جریزه - سفاهت - حکمت  
(۳) سفاهت - حکمت - جریزه (۴) حکمت - سفاهت - جریزه  
گزینه ۱

۸- با توجه به دیدگاه ارسطو کدام قوه همواره در معرض افراط و تفریط هستند و قوه مانع این افراط و تفریط کدام است؟

- (۱) عقل، شهویه - غضبیه  
(۲) شهویه، غضبیه - عقل  
(۳) غضبیه، عقل - شهویه  
(۴) عقل، غضبیه - شهویه
- گزینه ۲

۹- از نظر ارسطو، عامل سعادت و نیکبختی انسان کدام است؟

- (۱) هرگاه به احساس نشاط و لذت و رضایت درونی برسد.  
(۲) هرگاه دریابد که نفع او در گرو نفع دیگران است.  
(۳) اگر قوای وجودی انسان در حد اعتدال باشد.  
(۴) اگر معیار فعل اخلاقی وجدان باشد.
- گزینه ۳

۱۰- از دیدگاه ارسطو ف سعادت چیست؟

- (۱) عمل بر طبق وجدان (۲) عمل بر طبق عقل (۳) عمل بر طبق لذت و رضایت درونی (۴) عمل بر طبق منفعت
- گزینه ۲

۱۱- با توجه به نظریه کانت؛ هر کاری که انسان، صرفاً برای اطاعت از .... خود انجام دهد و هیچ گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می شود.

- (۱) شهود (۲) تصمیم (۳) وجدان (۴) عقل
- گزینه ۳

۱۲- معیار فضیلت اخلاقی از نگاه کانت چیست؟

- (۱) عمل بر طبق وجدان (۲) عمل بر طبق عقل  
(۳) عمل بر طبق تشویق و تمجید دیگران (۴) عمل به هدف رسیدن به سعادت
- گزینه ۱

۱۳- این جمله از کیست؟ دو چیز همواره مرا به شگفتی وا می دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.

- (۱) کانت (۲) هابز (۳) افلاطون (۴) ارسطو
- گزینه ۱

۱۴- کانت می گوید؛ بر طبق قاعده ای عمل کنید که بتوانید اراده کنید که قاعده مزبور قانون .... و .... شود.

- (۱) عمومی - ثابت (۲) کلی - خصوصی (۳) عمومی - متغیر (۴) کلی - عمومی
- گزینه ۴

۱۵- کدام عقیده با دیدگاه فیلسوفان طبیعت گرا سازگاری ندارد؟

- (۱) انسان، مانند سایر موجودات، هر کاری را برای منافع طبیعی خود انجام می دهد.  
(۲) ریشه های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جست و جو کرد.  
(۳) «خوب» و «بد» عناوینی هستند که ما به هر کار می دهیم، بسته به اینکه آن کار به سودمان باشد یا به ضررمان.  
(۴) معیار فعل اخلاقی باید وجدان باشد زیرا، در غیر این صورت، منفعت انسان نادیده گرفته می شود.
- گزینه ۴

۱۵- مطابق عقیده فیلسوفان طبیعت گرا، عبارت زیر در کدام گزینه به درستی کامل می شود؟

قواعد اخلاقی مانند صداقت، عدالت و امانت داری در واقع ارزش حقیقی ..... و ..... شمرده نمی شوند و چون برای زندگی اجتماعی .... هستند و منفعت افراد در رعایت آنهاست، باید آنها را مراعات کرد.

- (۱) ندارند - فضیلت - ضروری  
(۲) ندارند - رذیلت - ضروری  
(۳) دارند - رذیلت - ضروری  
(۴) دارند - فضیلت - ضروری

گزینه ۱

۱۶- این سخن که «هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد

که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.» از کیست؟

- (۱) هابز (۲) کانت (۳) ارسطو (۴) دکارت

گزینه ۱

۱۷- نظر ابن سینا درباره اخلاق شباهت و نزدیکی بسیاری با دیدگاه کدام فیلسوفان دارد؟

- (۱) کانت - هابز (۲) افلاطون - دکارت (۳) افلاطون - ارسطو (۴) ارسطو - دکارت

گزینه ۳

۱۸- کدام یک از عبارتهای زیر با دیدگاه اخلاقی فیلسوفان مسلمان مطابقت نمی کند؟

- (۱) انسان می تواند فضائل و رذائل را بشناسد، اما این شناخت به تنهایی باعث ترک رذیلت و تمایل به کسب فضیلت نمی باشد.  
(۲) علاوه بر شناخت فضائل و رذائل و تمایل ذاتی، پشتوانه ای همچون خدا لازم است تا هنگام تضاد میان تمایلات شخصی و فضائل اخلاقی انسان بتواند فضائل را بر تمایلات ترجیح دهد.  
(۳) اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید و برای آنها پاداش و مجازات معین فرماید، میل به فضائل در انسان تقویت می شود.

(۴) اگر خداوند ما را به کسب فضائل ترغیب و از رذایل منع نماید، عمل به فضیلت قطعی و حتمی می شود. گزینه ۴

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir